

مقدمه‌ای بر جریان حضور صهیونیست؛

در مطبوعات پیش از انقلاب اسلامی در ایران

هادی رستمی مراد

◆ چکیده

روابط ایران و اسرائیل در پیش از انقلاب اسلامی، جنبه‌های گوناگونی داشت که یکی از عرصه‌های مهم این رابطه به فعالیت‌های اسرائیل در حوزه فرهنگ و رسانه‌های همگانی باز می‌گردد. رژیم صهیونیستی برای در دست گرفتن رسانه‌های جهان، سرمایه‌گذاری فراوانی انجام داده است. در همین راستا، سران اسرائیلی در پیش از انقلاب، برای در دست گرفتن مطبوعات ایران تلاش گسترده‌ای را آغاز کردند تا از راه مطبوعات نظر مردم ایران را به نفع خود دگرگون کنند و بتوانند پشتیبانی آنها را برای رویارویی با اعراب به دست آورند.

در این مقاله کوشش شده است روش‌های رژیم صهیونیستی برای نفوذ در مطبوعات ایران و واکنش‌های رژیم پهلوی، مطبوعات و مردم ایران مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: روابط ایران و اسرائیل، مطبوعات، رژیم صهیونیستی، رژیم پهلوی.

◆ اشاره

منشه امیر، مخبر قدیمی و معروف رادیو اسرائیل طی مقاله‌ای با عنوان «چهره یهودی در رسانه‌های گروهی ایران، از پایان جنگ دوم تا امروز» در جلد سوم از مجموعه «یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر» بر آن است تا با تصویر نازیبای عملکرد یهود و صهیونیسم در دوران قبل و بعد از انقلاب، ضرورت طراحی و اجرای یک برنامه اساسی در عرصه رسانه را به صهیونیست‌ها گوشزد نماید.

اگرچه صهیونیست‌ها از دیرباز نسبت به این مهم توجه اساسی داشته و دارند ولی یک دلیل اساسی مانع از تحقق نیت آنها در این عرصه شده است و آن فرهنگ و اعتقادات ریشه‌ای مردم نسبت به یهود است که منشه امیر نیز به آن اشاره می‌کند^۱ و در ادامه آنچه مایه قوام این نگرش است، روحیه عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم است که پس از اشغال فلسطین و آواره شدن فلسطینی‌ها در میان مردم ایران گسترش و تعمیق یافت.^۲

مقاله حاضر با مرور کوتاه بر این فضا و به عملکرد گذرا از برنامه‌ها و اقدامات صهیونیست‌ها در ایران می‌پردازد. ضمن آنکه می‌بایست در کنار آن به موارد زیر توجه اساسی داشت:

۱- از زمانی که اولین روزنامه رسمی یهودیان به نام «شالوم» در ۲۱ مارس ۱۹۱۵ (۱ فروردین ۱۲۹۴) در تهران منتشر شد،^۳ هیچ‌کس فکر این را نمی‌کرد که این اقلیت یهودی با شمار اندک و محدودیت‌های خود در ایران، بر آن است تا از این وسیله رسانه‌ای به منظور اطلاع‌رسانی و جهت‌دهی دیدگاهی در میان یهودیان و غیریهودیان حداکثر استفاده را بنماید و بدین ترتیب در کوران حوادث سیاسی این انگیزه با ضعف و قوت، ولی بدون تعطیلی، تا کنون

۱. یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر، ج ۳ (مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، لس‌آنجلس، ۱۹۹۹)، ص ۲۹.

۲. همان.

۳. همان، ج ۴ (زمستان ۲۰۰۰)، ص ۱۵.

نیز ادامه داشته و در مقاطع حساس نقش خود را با زیرکی تمام ایفا کرده است.

زمانی که سخن از روزنامه‌نگاری و مطبوعات و نقش یهود و صهیونیسم، در ایران به میان می‌آید نمی‌بایست از شالوم، هاگئولا، هحیم، شورشیم، بینیان، راهنمای یهود، عالم یهود، بنی آدم، نیسان، دانیال، سینا، اسرائیل^۱ و پس از انقلاب تموز و یا بینا به سادگی گذر کرد.

۲- دومین و اساسی‌ترین مطلب در

بحث مطبوعات و صهیونیسم در ایران به

هیچ عنوان نباید از عناصر یهودی و

صهیونیست نفوذی در مطبوعات داخلی

ایران غافل بود. این عده بدون آشکار

کردن دین و یا ایده صهیونیستی خود در

مهم‌ترین روزنامه‌های ایران حضور فعال

داشته‌اند افرادی همچون منوچهر امیدوار

با سابقه بیست ساله در روزنامه اطلاعات

و یا سیمون فرزانی در همان روزنامه از

آن جمله‌اند.

در این مورد، هما رافائیل‌زاده با نام

تغییریافته‌اش، هما سرشار به عنوان اولین

روزنامه‌نگار زن یهودی در هفته‌نامه زن روز به همراه گیتی سیما نطوب بروخیم و ویدا شفق

و دکتر هوشنگ ابرامی در مجله فردوسی^۲ از معروف‌ترین چهره‌ها هستند و هستند عده‌ای که

همچنان با ظاهری موجه به فعالیت خود در این روزنامه‌ها و نشریات، پس از انقلاب ادامه

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۳ و ۳۴.

می دهند.

◆ مقدمه

با آغاز روابط بین ایران و اسرائیل در پیش از انقلاب، همکاری‌های طرفین در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و از جمله فرهنگی توسعه یافت. با اجرای کودتای ۲۸ مرداد و روی کار آمدن دولت دست‌نشانده و طرفدار غرب در ایران، زمینه‌های مساعدی برای گسترش و تعمیق روابط بین ایران و اسرائیل فراهم گردید. یکی از عرصه‌های مهم این رابطه، به اقدامات و فعالیت‌های اسرائیل در حوزه فرهنگ و رسانه‌های همگانی باز می‌گردد. رسانه‌های همگانی، نقش مهمی در برانگیختن علاقه مردم نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی دارند. این رسانه‌ها، نه تنها مسائل تازه‌ای را مطرح می‌کنند، بلکه می‌توانند با افشاگری‌ها و انتقادهای خود، افکار عمومی را به هیجان آورند و آنها را بسیج کنند.^۱ یکی از رسانه‌های همگانی تأثیرگذار، مطبوعات و نشریات می‌باشد. شاید بتوان روزنامه‌ها و مطبوعات را یکی از بانفوذترین وسیله انتقال اخبار به مخاطبان قلمداد نمود. از آنجا که مطبوعات هر کشور نقش بسزایی در هدایت افکار عمومی جامعه دارند، می‌بایست نقش مهمی را برای آنان در این زمینه قائل شد. یکی از ویژگی‌های روزنامه‌ها آن است که آنها می‌توانند به علت تنوع، هر گروهی را مخاطب قرار دهند، با زبان خودشان با آنها ارتباط برقرار کنند و مطالب مورد علاقه آنها را منتشر کنند.^۲ با توجه به همین امر، مقامات اسرائیلی و صهیونیست‌ها سرمایه‌گذاری فراوانی برای در دست گرفتن رسانه‌های جهان به عمل آورده و می‌آورند. به دلیل همین اهمیت در سال ۱۸۶۹ میلادی «راشون»، خاخام یهودی طی یک سخنرانی در شهر پراگ در اهتمام یهود به امر تبلیغات، چنین گفت:

۱. علی اسدی، افکار عمومی ارتباطات، (تهران: سروش، ۱۳۷۱)، ص ۱۱۶.

۲. همان، ص ۱۷۷.

«اگر طلا، نخستین ابزار ما در سیطره و حکومت بر جهان است بی‌تردید مطبوعات و روزنامه‌نگاری دومین ابزار خواهد بود.» همچنین در اولین کنگره صهیونیسم که به ریاست تئودور هرتزل در سال ۱۸۹۷ در شهر بال سوییس تشکیل شد، زمینه خطرناکی را به وجود آورد... زیرا شیاطینی که در این کنگره گرد هم آمده بودند، بر این نظر اتفاق داشتند که نقشه برپایی دولت اسرائیل جز با تسلط بر سازمان‌های خبری جهان به ویژه مطبوعات و روزنامه‌نگاری میسر نخواهد شد.^۱

بر این اساس به موازات گسترش روابط رژیم صهیونیستی با دولت شاه، این رژیم تلاش وافر را برای نفوذ و تأثیر بر مطبوعات و وقت ایران به عمل آورد. اگرچه روابط ایران و اسرائیل در پیش از انقلاب، ابعاد گسترده‌ای یافت، ولی این روابط، محدود به هیئت حاکمه بود و توده‌ها و اقشار مختلف جامعه نسبت به این رابطه، نظر مساعدی نداشتند. وجود جو منفی و انزجار جامعه ایران از رژیم صهیونیستی باعث شد که رژیم شاه سعی در کتمان این رابطه و ابعاد مختلف آن نماید. همین موضوع سبب گردید که اسرائیل از طریق مطبوعات، اقداماتی را در سطح افکار عمومی جامعه ایران انجام دهد تا بدین وسیله ذهنیت منفی جامعه ایران را خنثی نماید. عواملی را که سبب رویکرد اسرائیل نسبت به مطبوعات ایران پیش از انقلاب گردید، می‌توان در سطوح مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱. منفور بودن رژیم صهیونیستی در جامعه ایران

از بدو تأسیس رژیم صهیونیستی، مردم ایران - همگام با مبارزات ضداستعماری خویش - مخالفت خود را با تأسیس این رژیم اظهار نمودند؛ در این میان، روحانیانی همچون آیت‌الله کاشانی، نقش چشمگیری در هدایت توده‌ها برعهده داشتند. آیت‌الله کاشانی، اولین گام مبارزاتی خود را برای قطع کردن دست استعمار انگلیس از منابع نفت ایران برداشت و بعد از آن، مردم

۱. مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، کتاب ششم (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲)، ص ۳۸۲.

را به حمایت از فلسطین فراخواند به همین مناسبت اجتماعات عظیمی تشکیل شد؛ که پس از سخنرانی آیت‌الله کاشانی هزاران نفر مہیای عزیمت به فلسطین برای جنگ با صہیونیست‌ها گردیدند... حمایت ایرانیان از مردم فلسطین که از ۱۳۲۶ خ شروع شده بود، در ۱۳۲۷ خ با تشکیل میتینگ‌ها و اجتماعات بزرگ تا تبعید آیت‌الله کاشانی - و همچنین سال‌های بعد - ادامه یافت.^۱ با ظهور نہضت امام خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سخنرانی‌ها و اطلاعیه‌های پرشور ایشان این روند گسترش و تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت.

انزجار ایرانیان از صہیونیست‌ها از نگاه خود آنها نیز به دور نماند. یکی از این افراد «مئیر عزری»، سفیر اسرائیل در ایران پیش از انقلاب بود. اظهارات وی در این مورد جالب توجه می‌باشد:

مقامات اسرائیلی و صہیونیست‌ها سرمایه‌گذاری فراوانی برای در دست گرفتن رسانه‌های جهان به عمل آورده و می‌آورند.

روزی که به نام نماینده سیاسی اسرائیل به ایران پای نهادم، اسرائیل نزد مردم این کشور نام

نیکی نداشت. دستگاه‌های یهودی‌سقتیز از کار باز نایستاده و اسرائیل را غولی شناسانده بودند که به سرزمین‌های همسایگانش دست‌درازی کرده و آرامش را در خاورمیانه برهم زده است. در چنین بازاری انبوهی از دروغ و سرشار از ناسزاهای و ناروایی‌های بی‌پایه، چاره‌ای نبود جز داد و ستد گسترده با سران رسانه‌های گروهی و یاری به آنان در شناخت راستین اسرائیل و مردم آشتی‌پرور و دوست‌جوی آن. این تنها راهی بود که می‌توانستیم از بدبینی‌ها و بدآموزی‌ها بکاهیم و به راستی‌ها و درستی‌ها بیافزاییم.^۲

۱. جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱ (قم: دفتر انتشارات اسلامی)، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

۲. مئیر عزری، یادنامه، دفتر یکم (اورشلیم، ۲۰۰۰)، ص ۱۷۷.

یکی دیگر از یهودیان نیز کتابی در این مورد نوشته، که اگرچه با نگاه مغرضانه به موضوع نگریسته، ولی به واقعیت مخالفت جامعه ایران با رژیم اسرائیل اعتراف کرده است.

در ۱۴ می ۱۹۴۸ داود بن‌گوریون، استقلال اسرائیل را به جهانیان اعلام داشت و کشورهای مصر و اردن و سوریه و لبنان و عراق، بی‌درنگ، جنگ با کشور نوپای اسرائیل را آغاز کرد. ایران گرچه کشور عربی نبود تا به این بهانه رو در روی اسرائیل بایستد اما آرام هم نمی‌توانست نشست. غوغا از درون به پا شد... مطبوعات به دولت پوشالی حمله کردند و مسئله جنبه مذهبی و اسلامی گرفت.^۱

هر چه روابط شاه با رژیم صهیونیستی گسترش پیدا می‌کرد، نفرت از این رژیم نیز در جامعه ایران بیشتر می‌شد. مقامات اسرائیلی برای مقابله با این امر تدابیری را اتخاذ نمودند. از جمله می‌توان به سفر ژنرال «مایر آمیت» به ایران اشاره داشت. وی که در سال ۱۳۴۱ به جای «حنیم هرزوغ» رییس اداره اطلاعات ارتش اسرائیل شده بود، طی سفر به ایران با مقامات دولتی، ملاقات و پس از بازگشت به اسرائیل، گزارش خود را به «بن‌گوریون» و «گلدامیر» تسلیم نمود. او توصیه کرد:

سعی شود تماس‌هایی با خارج از محدوده هیئت حاکمه ایران برقرار شود. او متذکر شد که اسرائیل در میان مردم ایران منفور است و باید به آینده بیندیشد. در خلال چند سال آینده نیروهای جدیدی در ایران سر بلند خواهند کرد که در حال حاضر، اسرائیل هیچ تماسی با آنها ندارد. امیت توصیه کرد که سعی شود با دانشگاه‌ها و روزنامه‌ها حتی با شخصیت‌های مذهبی و لیبرال مخالف رژیم تماس برقرار شود.^۲

هرچند رژیم شاه سعی در کتمان روابط خود با اسرائیل داشت، ولی اخبار این روابط در سطح جامعه پخش می‌شد و موجی از مخالفت و بدبینی را در بین توده‌ها ایجاد کرد؛ به ویژه آنکه امام و روحانیان خطر تسلط اسرائیل بر رسانه‌ها و همراهی رژیم شاه با این موضوع را

۱. حبیب لوی، تاریخ جامع یهودیان ایران (لس‌آنجلس: بنیاد فرهنگی حبیب لوی، ۱۹۹۷)، ص ۵۳۹.

۲. عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (تهران: البرز، ۱۳۷۳)، ص ۲۹۳.

برای مردم بازگو کرده بودند. امام(س) در پاسخ به سؤالی در مورد چگونگی اطلاع از اخبار فلسطین چنین پاسخ داد:

آری خبر می‌رسید به همان وسیله‌ای که به سایر کشورها می‌رسد. البته رژیم ایران سعی می‌کرد که اخبار جنگ مسلمانان با کفار را به نفع کفار گزارش کند و این کار را همیشه کرده است و همیشه اعراب را مشتکی مردمی که مسائل را درک نمی‌کنند معرفی کرده است. رژیم، یکی از پشتیبانان بزرگ اسرائیل است رادیو و وسایل ارتباط جمعی، همه، چه آنهایی که از خود رژیم است و چه آنهایی که زیر فشار رژیم بوده‌اند به نفع اسرائیل کار می‌کردند و این ما بودیم که از اول با تمام برنامه‌ها مخالفت کرده‌ایم و اکنون نیز می‌کنیم.^۱

به رغم فشارهای رژیم شاه برای کاستن از مخالفت توده‌ها با اسرائیل، این مخالفت، روز به روز افزایش می‌یافت. مثلاً در شهریور ۱۳۴۷ شعارهای «هایل هیتلر» و «اسرائیل گمشو» بر روی اتومبیل نیم‌رودی (یعقوب) نوشته شد. جدی‌ترین تظاهرات ضداسرائیلی به هنگام مسابقات فوتبال آسیایی در تهران روی

به موازات گسترش روابط رژیم صهیونیستی با دولت شاه، این رژیم تلاش وافر را برای نفوذ و تأثیر بر مطبوعات وقت ایران به عمل آورد.

داد. در استادیوم صدهزار نفری [آزادی] بادکنک‌هایی به هوا رفت، که روی آنها علامت صلیب شکسته نقش شده بود و جمعیت تماشاچی در حالیکه پیکره‌ای به شکل «موشه دایان» برافراشته بودند، به آن آب دهان می‌انداختند و آن را لگدمال می‌کردند. شاه از شدت احساسات ضد اسرائیلی مردم مبهوت شده، درصدد یافتن تدابیری برای برقراری نظم و آرامش برآمد.^۲

۱. فلسطین از دیدگاه امام خمینی(س) (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴)، ص ۳۹.

۲. مهدوی، همان، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

۲. تلاش برای چاپ مطالب به نفع اسرائیل و علیه اعراب

به دنبال تشکیل رژیم غاصب صهیونیستی، جنایات و حملات این رژیم، علیه امت مظلوم فلسطین گسترش یافت. در طی این سال‌ها جنگ‌ها و تنش‌هایی بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی - به منظور حمایت از حقوق فلسطینیان - صورت گرفت. با توجه به ابعاد گسترده این اقدامات طبیعتاً، مطالب و تحلیل‌های این واقعه نیز در مطبوعات و رسانه‌های کشور انعکاس یافته، ماهیت پلید این رژیم را هر چه بیشتر برای مردم آشکار می‌ساخت. از آنجا که سیاست اسرائیل جلوگیری از انعکاس این مطالب در رسانه‌ها و مطبوعات ایران بود، این رژیم اقدامات متعددی را برای جلوگیری از انعکاس اخبار ضداسرائیلی به عمل آورد. از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- آقای مئیر عزری، معاون نمایندگی اسرائیل در تهران، اظهار داشته است که داریوش همایون از او خواسته تا حدود دو میلیون تومان در روزنامه در شرف تأسیس (آیندگان) سرمایه‌گذاری نمایند. در برابر آن، وی تعهد می‌نماید که برای همیشه مطالب روزنامه را علیه اعراب و به نفع اسرائیل تنظیم نماید. داریوش همایون یازده شماره از نشریه بامشاد را

اگرچه روابط ایران و اسرائیل در پیش از انقلاب، ابعاد گسترده‌ای یافت، ولی این روابط، محدود به هیئت حاکمه بود و توده‌ها و اقشار مختلف جامعه نسبت به این رابطه، نظر مساعدی نداشتند.

ارائه داد که در آن تفسیرهایی بر ضد اعراب و به نفع اسرائیل نوشته شده بود و خواهش کرد که آنها را به وزارت امور خارجه اسرائیل بفرستند. وی اضافه نمود در سفری که به تل‌آویو داشته، راجع به این موضوع با مقامات وزارت امور خارجه اسرائیل صحبت کرده است. آنها نیز از او پشتیبانی کرده و به وی وعده کمک داده‌اند. در مقابل این مساعدت مالی داریوش

همایون متعهد شد که در روزنامه مذکور اعراب را به عنوان آغازگر حمله عنوان نموده، از اسرائیل حمایت نماید.^۱

ب- «داریوش همایون یکی از گردانندگان روزنامه آیندگان در سفری که در ایام جنگ‌های شش روزه اسرائیل و اعراب به اسرائیل رفته بود موضوع خرید یک رتاتیو از سرمایه‌داران

اسرائیل را عنوان کرده و وزارت خارجه اسرائیل پس از مشورت با نمایندگی آژانس اسرائیل در ایران و با کمک (عزری) نماینده اسرائیل در تهران که از دوستان داریوش همایون می‌باشد سرانجام موافقت کرده که دولت اسرائیل و یا سازمان صهیونیزم پرداخت اقساط فروش رتاتیو را عهده‌دار شده و با پرداخت قسمتی از مخارج رتاتیو آن را به داریوش همایون بفروشند. در مقابل این مساعدت مالی که دولت اسرائیل و وزارت امور خارجه این کشور به داریوش همایون کرده او متعهد شده است که حمله

وجود جو منفی و انزجار جامعه ایران از رژیم صهیونیستی باعث شد که رژیم شاه سعی در کتمان این رابطه و ابعاد مختلف آن نماید. همین موضوع سبب گردید که اسرائیل از طریق مطبوعات، اقداماتی را در سطح افکار عمومی جامعه ایران انجام دهد تا بدین وسیله ذهنیت منفی جامعه ایران را خنثی نماید.

به اعراب را در روزنامه مذکور عنوان نموده و از اسرائیل حمایت بنماید»^۲

ج - نگارش مقاله «بلوف در خاورمیانه عربی» در حمایت از اسرائیل در مجله فردوسی.^۳

۱. عبدالرحمان احمدی، ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی)، ص ۵۲ و ۵۳.

۲. مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، کتاب ششم، ص ۳۴.

۳. همان، کتاب هشتم، ۱۳۸۴، ص ۲۷۹.

د - چاپ مقاله «ضد صهیونیسم و ضد امپریالیسم در شرق» در مجله فردوسی^۱
 ه - «طبق اطلاع واصله آقایان عباس شاهنده و کاظم مسعودی روزنامه‌نگاران ایرانی که به علت چاپ و انتشار بروشورها و کتب و یادداشت‌های تبلیغاتی به نفع اسرائیل ممنوع الورد به کشور اردن قلمداد شده‌اند روز ۲۸/۸/۱۰ به آن کشور مسافرت کرده‌اند. مخصوصاً آقای عباس شاهنده به علت کمک‌های تبلیغاتی به نفع اسرائیل، ممنوع الورد به

از بدو تأسیس رژیم صهیونیستی، مردم ایران - همگام با مبارزات ضداستعماری خویش - مخالفت خود را با تأسیس این رژیم اظهار نمودند؛ در این میان، روحانیانی همچون آیت‌الله کاشانی، نقش چشمگیری در هدایت توده‌ها برعهده داشتند.

تمام کشورهای عربی می‌باشد.»^۲

و- «روابط مدیر مجله تهران مصور آن‌چنان با رژیم صهیونیستی علنی شده و بالا می‌گیرد که این نشریه در بالای جلد خود علامت ستاره داود را چاپ می‌کند. ساواک که دچار دل‌مشغولی‌های امنیتی بود این اقدام را ضدامنیتی تلقی می‌کند. ساواک خارج از کشور در گزارشی اعلام می‌کند که روی جلد مجله تهران مصور ستاره شش‌پر و آرم مخصوص صهیونیسم درج شده است و این موضوع توجه محافل ضدیهود را به خود جلب کرده است و ممکن است اقدامات تبلیغی علیه ایران به عمل آید و ضرورت دارد هر چه سریع‌تر این موضوع اصلاح شود»^۲

موارد مذکور، تنها گوشه‌ای از روابط آشکار شده مقامات اسرائیلی با مطبوعات عصر پهلوی

۱. همان، ص ۲۹۷.

۲. همان، کتاب نهم، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱.

۳. همان، کتاب اول، ۱۳۷۹، ص شخصت و هفت.

است؛ بی‌شک عمق این روابط بسیار گسترده‌تر از آنچه می‌باشد که تا کنون آشکار گردیده است. اما رژیم صهیونیستی برای نفوذ در مطبوعات ایران از راهکارهای متعددی بهره‌برداری می‌نمود که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

الف- تلاش برای تأثیر بر مطبوعات مهم و اثرگذار، نظیر کیهان و اطلاعات.

بخشی از این کار از طریق نوشتن مقالاتی به نفع اسرائیل و علیه اعراب در این روزنامه‌ها صورت می‌گرفت. در این خصوص می‌توان به نقش فردی یهودی به نام «شائول نجاش» اشاره کرد که در روزنامه کیهان فعالیت می‌کرد و مقالاتی از این‌گونه، می‌نوشت. حجم اقدامات وی در این زمینه به گونه‌ای بود که موجب اعتراض سفارتخانه‌های عربی در تهران گردید.^۱

ب- فراهم آوردن زمینه‌هایی برای سفر نویسندگان، روزنامه‌نگاران و سردبیران مطبوعات به اسرائیل.

روابط مدیر مجله تهران مصور
آن‌چنان با رژیم صهیونیستی علنی
شده و بالا می‌گیرد که این نشریه در
بالای جلد خود علامت ستاره داود را
چاپ می‌کند.

یکی از روش‌های عمده اسرائیل برای نفوذ در مطبوعات، فراهم آوردن زمینه‌های مسافرت سردبیران و روزنامه‌نگاران مطرح به اسرائیل بود تا به زعم خود، آنها را با واقعیات موجود در اسرائیل آشنا کند و این افراد به هنگام ازگشت، در مطبوعات خود، اقدام به چاپ مقالاتی به نفع اسرائیل نمایند. بر اساس

همین سیاست، طیفی از روزنامه‌نگاران، مدیران مسئول و سردبیران نشریات به اسرائیل سفر نمودند، که در زیر به اسامی برخی از آنها اشاره می‌شود:

- قاسم مسعودی: روزنامه‌نگار، مدیر و سردبیر ژورنال دو تهران و صاحب امتیاز و مدیر

مسئول تهران نیوز^۱

- نعمت‌الله جهانبنانویی: مدیر داخلی و سردبیر روزنامه اقدام، صاحب امتیاز مجله فردوسی^۲

- اسماعیل پوروالی ایروانی: فعالیت در روزنامه ستاره، انتشار روزنامه بامشاد^۳

- رحمت‌الله مصطفوی: مدیر روزنامه روشنفکر^۴

- علی اصغر امیرانی: انتشار مجله خواندنی‌ها^۵

- عبدالرسول عظیمی: مدیر مسئول روزنامه پیغام امروز، سردبیر روزنامه کیهان، مسئول

هئیت مدیره روزنامه نگاران^۶

- اسماعیل رائین: فعالیت خبری در روزنامه خلیج ایران، همکاری با مجله روشنفکر و تهران

مصور^۷

- اسعد رزم‌آرا: صاحب امتیاز روزنامه مرد مبارز^۸

- محمدکاظم زرنگار: روزنامه نگار^۹

- عباس شاهنده: انتشار روزنامه فرمان^{۱۰}

- جهانگیر تفضلی: فعالیت مطبوعاتی در روزنامه ایران ما^{۱۱}

۱. همان، کتاب دهم، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳.

۲. همان، کتاب نهم، ص ۲۵۱.

۳. همان، کتاب هشتم، ۱۱۵.

۴. همان، ص ۱۴۵.

۵. همان، ص ۲۳۹.

۶. همان، ص ۳۲۸.

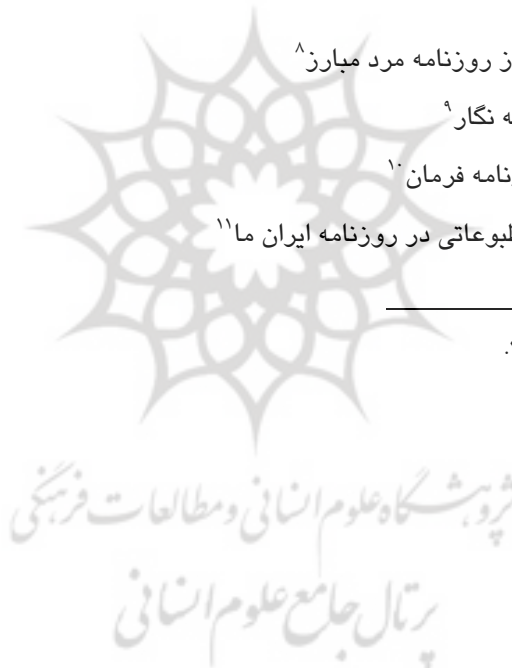
۷. همان، کتاب ششم، ص ۵۵.

۸. همان، ص ۸۶.

۹. همان، ص ۲۰۷.

۱۰. همان، کتاب دهم، ص ۱۹۹.

۱۱. همان، کتاب پنجم، ۱۳۸۲، ص ۱۸.



- در میان روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس و سرشناسانی که در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ از اسرائیل دیدار کردند، می‌توان از ن.خ، سردبیر یک هفته‌نامه و یک روزنامه پرتیراژ، ابوالحسن عمید نوری، نماینده مجلس و سردبیر روزنامه داد و هاشمی حائری، سردبیر رسانه طلوع نام برد.^۱

- در مارس ۱۹۵۷ عبدالله والا، سردبیر تهران مصور به اسرائیل رفت... یکی از پرخواننده‌ترین روزنامه‌های اقتصادی ایران، تهران اکونومیست بود که به سردبیری باقر شریعت چاپ می‌شد. دکتر شریعت، پایه‌گذار این روزنامه، همراه ن.خ بازدید از اسرائیل داشت و از این دیدار برداشت کرده بود که یهودیان، بهترین اقتصاددانان جهان هستند و همواره می‌گفت هر کس می‌خواهد اقتصاد یاد بگیرد، باید چندی در اسرائیل زندگی کند.^۲

- احمد مرعشی در ژوئن ۱۹۶۲ از اسرائیل دیدن کرد و نوشته آشویتس یا «دروازه جهنم» را به فارسی برگرداند که در پاورقی اطلاعات هفتگی چاپ می‌شد.^۳

اقدامات مقامات اسرائیلی برای تأثیرگذاری تنها به نشریات و روزنامه‌های پایتخت‌نشین خلاصه نمی‌شد، آنها از تمام امکانات خود برای بهره‌گیری از نشریات شهرستان‌ها نیز استفاده می‌کردند. در این رابطه می‌توان به مطالب بیان شده از سوی مؤثر عزری اشاره داشت:

با روزنامه‌نگار جوانی آشنا شدم که می‌توانست مرا به روزنامه‌های شهرستان‌ها نیز بپیوندد. زهتاب‌فرد، سردبیر رسانه اراده آذربایجان که چند دوره از سوی مردم تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی رسیده بود، از اسرائیل دیداری انجام داد و نوشته‌هایش مردم این تکه از ایران را با اسرائیل به خوبی آشنا می‌ساخت. امان‌الله ریگی نیز سردبیر ندای زاهدان و نماینده شهرش در مجلس بود که دوستی گرمی با ما

۱. مؤثر عزری، همان، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. همان، ص ۱۸۲.

داشت.^۱

ج- برپایی مراسم مختلف در سفارت اسرائیل و دعوت از نویسندگان و اهالی قلم برای شرکت در آن.

◆ نتیجه‌گیری

مجموعه مطالب بیان شده، تنها گوشه‌ای کوچک از روابط مطبوعاتی رژیم پهلوی با اسرائیل است. با توجه به شعارها و اهداف صهیونیست‌ها برای تصاحب رسانه‌ها و مطبوعات و هدایت آنها در جهت منافع خود، می‌بایست تلاش این رژیم را برای رخنه در مطبوعات ایران در عصر پهلوی از این قاعده مستثنا ندانست. با توجه به فضای حاکم بر روابط شاه با رژیم صهیونیستی در یک نگاه کلی مواردی چند را می‌توان برشمرد که در رویکرد این رژیم به مطبوعات و وقت ایران مورد نظر بود:

۱. شکستن قبح روابط ایران با اسرائیل،
موجه جلوه دادن این روابط و سعی در
عادی نشان دادن آن در عرف
دیپلماتیک
 ۲. معرفی اسرائیل به عنوان کشوری
صلح‌طلب و خواهان برقراری روابط با
همسایگان
 ۳. مقصر جلوه دادن اعراب به عنوان
آغازگر درگیری‌ها و بحران‌های
منطقه‌ای
- یکی از روش‌های عمده اسرائیل
برای نفوذ در مطبوعات، فراهم
آوردن زمینه‌های مسافرت
سردبیران و روزنامه‌نگاران مطرح به
اسرائیل بود تا به زعم خود، آنها را با
واقعیات موجود در اسرائیل آشنا
کند و این افراد به هنگام ازگشت،
در مطبوعات خود، اقدام به چاپ
مقالاتی به نفع اسرائیل نمایند.

۱. همان، ص ۱۸۳.

۴. ایجاد اختلاف و شکاف در روابط ایران با کشورهای عربی

۵. موجه جلوه دادن چهره منفور اسرائیل در سطح رسانه‌های ایران

۶. نفوذ در بخش‌های مختلف جامعه و از بین بردن سابقه منفی این رژیم در اندکان مردم

اگر چه اسناد موجود، حکایت از نفوذ گسترده اسرائیل در مطبوعات عصر پهلوی دارد، ولی این نفوذ نتوانست اهداف مورد نظر دولتمردان اسرائیلی را تامین کند؛ چرا که عواملی نظیر رهبری حضرت امام(س) و روشنگری‌های وی در خصوص ماهیت پلید رژیم صهیونیستی چهره منفی این رژیم را به مردم نشان داده بود و عواملی همچون سرسپردگی مطبوعات پهلوی به هیئت حاکمه، دور بودن این مطبوعات از بطن جامعه و سانسور شدید اطلاعاتی توسط ساواک نتوانست چهره منفور رژیم صهیونیستی را در جامعه ایران موجه جلوه دهد. هر چه حکومت پهلوی به پایان خود نزدیک می‌شد، به همان میزان نیز بر نفرت و دشمنی مردم ایران با رژیم غاصب صهیونیستی افزوده می‌گردید و می‌توان گفت یکی از شاخصه‌های اصلی انقلاب و مبارزات مردمی در شعارهای ضدصهیونیستی آن تبلور یافته بود. بنابراین، مطبوعات پهلوی در مجموع نتوانست اهداف مورد نظر صهیونیست‌ها را در جامعه ایران پیاده نماید.